

نام جدید علم اطلاعات و دانش‌شناسی، به جای کتابداری و اطلاع‌رسانی، اگر چه در معادل انگلیسی آن تغییر چندانی ندارد ولی در زبان فارسی تأملاتی را ایجاد کرده است. اطلاعات و دانش به عنوان محور موضوعی این حوزه علمی، متخصصان این رشته را بر این وامی دارد که هم به چیستی اطلاعات و دانش توجه کنند و هم در قبال پردازش و استفاده بهینه اطلاعات و دانش نقش خود را بیابند؛ هم خود باید عامل باشند و هم با دیگران این رسالت را تقسیم کنند تا نشان دهند که اگر متصف به داشتن علم اطلاعات و دانش‌شناسی هستند در قبال تحصیل و کاربرد آن هم نقش آفرین‌اند. سطح خُرد و کلان هم برای آنها مساوی است. این بحث اگر چه به لحاظ مفهوم و محتوا قابل بررسی است ولی در عمل در جامعه ما چیز دیگری اتفاق افتاده است و وضعیت به گونه‌ای دیگر است:

ما در کشورمان دو وزارتخانه بزرگ داریم که هر دو نامشان با اطلاعات همراه است و ما که نام اطلاعات و دانش‌شناسی را یدک می‌کشیم باید ببینیم در این بین چه نقشی داریم و در کجای معادله ضبط، ذخیره، بازیابی و اشاعه اطلاعات قرار داریم و تا چه اندازه می‌توانیم در امور مربوط به اطلاعات مشارکت کنیم. یکی از آن دو وزارتخانه وزارت اطلاعات است که مسئولیت بسیار بزرگی بر عهده دارد. بررسی جریان‌های سیاسی داخل و خارج کشور و پیشگیری از دستبردهای امنیتی به ویژه در امور سیاسی و نیز اقتصادی که به سیاست کلی کشور لطمه می‌زند، وظیفه این وزارتخانه است. قطعاً سازماندهی و طبقه‌بندی اطلاعات در این وزارتخانه به بهترین شیوه و با استفاده از آخرین فن‌آوری‌ها از کتبی و غیرکتبی اجرا می‌شود. زیرا در غیر این صورت نمی‌تواند وظیفه خطیر خود را در اسرع وقت به بهترین شکل انجام دهد. مقایسه حفظ، ذخیره، و بازیابی اطلاعات در این دو وزارتخانه می‌تواند موضوع پژوهش جالبی باشد.

وزارتخانه دیگر، وزارت ارتباطات و فن‌آوری اطلاعات است که زیرساخت همه جریان‌ات اطلاعاتی و مخابراتی به دست آن است. در این جا نیز فن‌آوری‌های الکترونیکی در پیشرفته‌ترین وضعیت و گسترده‌ترین شکل در حال انجام است و نیازمندی‌های مردم و توقعات آنان به مسائل مخابراتی و اطلاعاتی پشتوانه قوی برای این وزارتخانه برای انجام کار است. علاوه بر این دو وزارتخانه، نهادهای قدرتمند دیگری هم هستند که به‌طور مستقیم با اطلاعات مرتبط‌اند. از جمله

این نهادها، شورای عالی فضای مجازی و دیگری شورای عالی فن‌آوری اطلاعات است که زیر نظر وزارت ارتباطات و فن‌آوری اطلاعات به فعالیت مشغول است و سومی شبکه ملی اطلاعات است که توسط دو نهاد فوق در حال ساماندهی است. حال در بین این سازمان‌های قدرتمند که در سطح ملی به فعالیت مشغول‌اند. علم اطلاعات و دانش‌شناسی و به طریق اولی دانشکده علم اطلاعات و دانش‌شناسی چه محلی از اعراب دارد؟ چه نسبتی بین اطلاعات و دانش در این بخش با اطلاعات در وزارت‌خانه‌های مذکور و شورای ملی پیش‌گفته برقرار است؟ اگر هیچ نسبتی هم وجود ندارد پس باید تعیین تکلیف شود تا نسبت به نامگذاری و استفاده از واژه اطلاعات تجدیدنظر شود.

شورای عالی فضای مجازی عمر چندانی ندارد، اما آن را با شورای عالی انقلاب فرهنگی هم‌سنگ می‌دانند، که مشابه آن دارای وظایف حاکمیتی است و به توسعه فراگیر و پایدار اجتماعی و فرهنگی و دسترس‌پذیری اطلاعات برای همه با رعایت مسائل اقتصادی و نیز فن‌آوری می‌پردازد.

در بحثی که دبیر شورای عالی فضای مجازی در برنامه «دیروز، امروز، فردا» در تاریخ ۱۳۹۳/۸/۲۳ در شبکه سه سیما داشت ضمن تشریح اهداف و وظایف این شورا به نقش مردم و همکاری آنان در پیشبرد اهداف اطلاعاتی تأکید فراوان می‌نمود. وی افزایش سواد رسانه‌ای را یکی از مسائل مهم برشمرد و نمودارهایی را ترسیم کرد که بخشی از آن به قرار زیر است:

کاربر	قوانین و مقررات
محتوا	
خدمات	
بسترسازی	
امنیت	

که به نظر می‌رسد در آن بسترسازی مربوط به وزارت اطلاعات و فن‌آوری اطلاعات و امنیت آن هم، اگر نه همه آن ولی بخش عمده آن به وزارت اطلاعات برمی‌گردد. قوانین و مقررات هم به کار مجلس و یا دستگاه‌هایی که می‌توانند مقررات و بخشنامه صادر کنند یعنی دولت می‌آید. سؤال اصلی این است که نقش علم اطلاعات و دانش‌شناسی در این نمودار کجا می‌تواند باشد. بسترسازی که بیشتر به امور فنی مربوط است، به حوزه علوم رایانه برمی‌گردد و قاعدتاً ما به صورت اصولی و اولی نباید درگیر آن شویم. ولی آیا نسبت به خدمات، تولید محتوا و آموزش کاربر و ترویج فرهنگ استفاده درست به آنان نمی‌توانیم با آنان مشارکت کنیم؟

با توجه به تأکید فراوان دبیر شورای عالی فضای مجازی بر نقش مردم در پذیرش فن‌آوری‌های جدید و آشنایی و ایجاد فرهنگ استفاده، آیا کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی با همه تنوعی که دارند نمی‌توانند و نباید نقش آفرین باشند؟ آیا مجموعه‌های عظیم کتابخانه‌ها و نیروی انسانی شاغل در آنها، اعم از عمومی، دانشگاهی، تخصصی و آموزشگاهی و نیز مشابه آن در مراکز نیمه‌دولتی و خصوصی نمی‌توانند و نباید در این بین سهمی را آدا کنند. همچنین گروه‌های کتابداری و اطلاع‌رسانی و در رأس آن دانشکده علم اطلاعات و دانش‌شناسی نمی‌تواند و نباید در این زمینه سهمی داشته باشد؟ قطعاً گروه‌های کتابداری و اطلاع‌رسانی و در رأس آن دانشکده علم اطلاعات و دانش‌شناسی در تحقق بخشی از خواسته‌های ملی کشور می‌تواند نقش آفرین باشد.

اما سؤال دیگر این است که نهادهای کتابخانه‌ای و مراکز اطلاعاتی به عنوان جایگاه‌های قوی اطلاع‌رسانی و مرتبط با مردم با داشتن نقش ویژه فرهنگی اگر وجود دارند با این حال چرا کمتر کسی به آنها توجه می‌کند و چرا در سطوح تصمیم‌گیری برای اطلاعات و اطلاع‌رسانی در بخش خدمات و تولید محتوا و ایجاد فرهنگ کسی به آنها مراجعه نمی‌کند و یا ذکری از آنها به میان نمی‌آید؟ آیا این مربوط به ضعف اطلاع مسئولان از وجود چنین مراکزی است و یا وظایف آنها به گونه‌ای معرفی شده که گویا اصلاً ربطی به اطلاعات و اطلاع‌رسانی عمومی ندارد؟ و یا قصور و تقصیر از جانب متولیان این حوزه وسیع علمی است که نه توانمندی خود را بالا می‌برند و نه آن را به جامعه در سطح کلان و به دیگر مسئولان امر معرفی می‌کنند؟

نمونه دیگری از این بی‌لطفی و کم‌مهری از جانب مسئولان و یا تنبلی و خود کم‌بینی کتابداران و اطلاع‌رسانان را در مناظره روز جمعه ۱۳۹۳/۸/۳۰ در شبکه یک دیدیم که با آن که بحث درباره کتاب و کتابخوانی بود، ابدأً از تخصص کتابداران و اطلاع‌رسانان به‌ویژه استادان این رشته استفاده نشد و از آنان دعوت به عمل نیامد. جالب این جاست که مطالعه که یک امر فنی و ارزشی است و در این حوزه نسبت به آن حساسیت وجود دارد فقط آن را منحصر به پر کردن ساعات فراغت نمودند که به نظر درست نمی‌آید.

مطالعه از باب مفاعله، امری طرفینی است که در آن مطالعه‌کننده با افکار صاحب‌نظر یعنی مؤلف کتاب، به مباحثه و مناظره می‌نشیند. شاید یکی از اشکالاتی که مربوط به این حوزه علمی است از این جا ناشی می‌شود که با آن که همه، کتابخانه‌ها را می‌شناسند و به‌طور ضمنی برای

آن ارزش قائلند ولی با وظایف و کارکرد آن به طور دقیق آشنا نیستند و نیز پراکندگی کتابخانه‌ها در وزارتخانه‌های مختلف می‌تواند دلیل دیگری باشد. اما باید توجه داشت که اگر وظایف کتابخانه‌ها در سطوح گوناگون با یکدیگر متفاوت است در یک امر با هم مشترکند و آن فرهنگ‌سازی و آموزش همه اقشار با توجه به سطوح مختلف و استعدادهای گوناگون است. در قسمت اول یعنی شناساندن وظایف گسترده کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی با کتابداران و استادان این حوزه است که با آموزش قوی و نقش‌آفرینی در ایجاد رابطه قوی با مردم و فرهنگ‌سازی در حوزه‌های اطلاع‌رسانی و سواد اطلاعاتی بکوشند. در قسمت دوم که کتابخانه‌های گوناگون زیر نظر وزارتخانه‌های مختلف است به این عنوان که کتابخانه‌های عمومی زیر نظر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، کتابخانه‌های دانشگاهی زیر نظر دو وزارتخانه فرهنگ و آموزش عالی و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و کتابخانه‌های آموزشی-در صورت وجود- زیر نظر وزارت آموزش پرورش است. علاوه بر آن، کتابخانه‌های شهرداری‌ها و احیاناً بخش خصوصی و مساجد هم قابل توجه است. پیشنهاد این است که برای آن که نقش کتابخانه‌ها به‌طور کلی و ارزش حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی در سطح کلان مطرح باشد و دست کم صدای توانمندی دانش‌آموختگان این حوزه در فرهنگ‌سازی، استفاده از فضای مجازی، گسترش سواد اطلاعاتی و شیوه مطالعه و بسیاری از اهداف عام‌المنفعه اجتماعی و فرهنگی دیگر به گوش مسئولان برسد تا در تصمیمات کلان ملی نقش داشته باشند، نماینده‌ای از جانب سازمان اسناد و کتابخانه ملی در جلسات حضور پیدا کند و ضمن تشریح توانایی‌ها و وظایف عمومی کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی، سهمی نیز برای اجرا از متولیان امور بگیرند و به همه سطوح ابلاغ کنند و اجرای موفق آن را بخواهند و چنانچه این امر نیاز به قانون دارد پیشنهاد قانونی هم برای تصویب به مجلس داده شود. سازمان اسناد و کتابخانه ملی از این جهت مناسب است که هم زیر نظر ریاست جمهوری است و هم وظایف آن عام و گسترده و ملی است و ساماندهی وظایف کلیه کتابخانه‌ها نیز به نوعی به عهده آن است. با این اقدام امید است تحرکی نسبت به معرفی توانمندی‌های این حوزه در سطح کلان و عموم و ایجاد فرهنگ در بین مردم فراهم شود.